نقدها و بررسی ها



پایگاه اطّلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:

احکام؛ فروع

بسم الله الرحمن الرحیم

نقد	نویسنده: احمد	تاریخ: ۱۳۹۸/۲/۱۷

آیا استفراغ کردن سبب بطلان روزه می‌شود؟ اگر سبب بطلان روزه می‌شود علت آن چیست؟ با توجه به اینکه استفراغ کردن، خوردن و آشامیدن محسوب نمی‌شود و کسی برای لذت این کار را انجام نمی‌دهد و در قرآن از آن برای روزه‌داری نهی نشده است. همچنین اگر کسی مریض باشد مثلاً مسموم شده باشد می‌تواند خودش با انگشت در گلو کردن سبب استفراغ شود.

بررسی	تاریخ: ۱۳۹۸/۲/۲۱

بنا بر کتاب خداوند، خوردن از مفطرات روزه است[1] و مراد از آن، فرو بردن چیزی به معده است و این کاری است که غالباً در بالا آوردن غذای خورده شده از معده انجام می‌شود؛ زیرا غالباً چیزی از غذای خورده شده به هنگام بالا آمدن از معده در گلو می‌ماند و به معده باز می‌گردد و این خوردن دوباره‌ی آن محسوب می‌شود که هرگاه از روی عمد انجام شود، مبطل روزه است؛ با این توضیح که موجب قضاء می‌شود، نه کفّاره؛ چراکه عمد متوجّه خوردن دوباره‌ی غذا نبوده است، بلکه متوجّه سبب آن یعنی بالا آوردن غذا بوده است و بنا بر قاعده، هرگاه روزه‌دار عمداً کاری را انجام دهد که خود باطل کننده‌ی روزه نیست، ولی غالباً به بطلان روزه می‌انجامد، قضاء بر او واجب می‌شود، نه کفّاره؛ مانند فرو بردن عمدی سر در آب که غالباً سبب رسیدن آب به گلو از راه دهان، بینی، چشم و گوش می‌شود[2]. بنابراین، هرگاه روزه‌دار عمداً استفراغ کند، روزه‌ی او باطل است و باید قضاء آن را به جای آورد، ولی هرگاه ناخواسته یا از روی فراموشی استفراغ کند، روزه‌ی او صحیح است؛ به دلیل سخن خداوند که فرموده است:

۱ . نگاه کنید به: سوره‌ی بقرة، آیه‌ی ۱۸۷.

۲ . نگاه کنید به: پرسش و پاسخ ۱۵۱.

﴿وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَلَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ ۚ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾[1]؛ «و بر شما گناهی در کاری که به خطا کردید نیست، ولی در کاری است که دل‌هاتان تعمّد داشته و خداوند آمرزنده‌ای مهربان است» و به دلیل روایت رسیده از رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم که در آن آمده است: «مَنْ ذَرَعَهُ الْقَيْءُ وَهُوَ صَائِمٌ فَلَيْسَ عَلَيْهِ قَضَاءٌ وَمَنِ اسْتَقَاءَ فَلْيَقْضِ»[2]؛ «هر کس ناخواسته استفراغ کند در حالی که روزه است بر او قضائی نیست و هر کس عمداً استفراغ کند، باید قضاء را به جای آورد» و این نظر اهل بیت و نظر ابو حنیفه، مالک، شافعی و احمد و نظر مشهور شیعه است، بلکه خطّابی (د.۸۸۳ق) گفته است: «لَا أَعْلَمُ بَيْنَ أَهْلِ الْعِلْمِ فِيهِ اخْتِلَافًا»[3]؛ «هیچ اختلافی درباره‌ی آن میان اهل علم نمی‌شناسم».

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی
بخش پرسش و پاسخ



۱ . الأحزاب/ ۵
۲ . مسند أحمد، ج۲، ص۴۹۸؛ سنن الدارمي، ج۲، ص۱۴؛ سنن ابن ماجه، ج۱، ص۵۳۶؛ سنن أبي داود، ج۱، ص۵۳۳؛ سنن الترمذي، ج۲، ص۱۱۱؛ سنن الدارقطني، ج۲، ص۱۶۳؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج۴، ص۲۱۹
۳ . المغني لابن قدامة، ج۳، ص۵۲